

فصله نوزدهم

نثر

نثر چو آینه باشد ز اجماع بر
گذشت دور شمار نثر بر این نثر
~~نثر چو آینه باشد ز اجماع بر~~
~~گذشت دور شمار نثر بر این نثر~~
بر آن نوشته که باشد زندگی صورت
بدون رسم به خواننده می کند تا نثر
چو دور گردد ساعز ز توده ای مردم
به بر کجا که رود راه خود بماند گم
هم وصف دارد آن باغ بر گل و ریاح
که یک گلشن نبود زینت بر نخل آن ؟
کسی که سر بود دم رنند ز طره های بار
گرسنگان آبرند از غزال برزار
برای ناب بنوشد کسی که دارد کویل
سود فخر گرسنه ز وصف یاره ملول
نثر چو آینه باشد ز اجماع بر
گذشت دور شمار نثر بر این نثر

۱۹۴۸

۱۴

۱۳۲۷